

روش‌های تحلیل حدیثی آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب «منتخب الاثر فی الامام

الثانی عشر عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى فرقة الشریف»^۱

مجتبی میری^۲

علی جهانی فرد^۳

چکیده

«آیت الله صافی گلپایگانی»، از مراجع تراز اول شیعی در دوران معاصر است. کتاب «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى فرقة الشریف» یکی از آثار برجسته این عالم شیعه است که در آن، آرای حدیثی ایشان اشراپ شده است. تحقیق پیش‌رو به دنبال تبیین روش‌های تحلیل حدیثی آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر است. هدف اصلی در این کتاب از جنبه علمی، اثبات تواتر آیات و استقلال این احادیث از لحاظ سند است. بررسی روش‌های ایشان در زمینه روایات مهدویت می‌تواند در سایر احادیث کاربرد داشته باشد. مهم‌ترین روش‌های تحلیل حدیث ایشان در سه محور «تصحیح نسخه‌ها»، «اعتبار سنجی احادیث از لحاظ سند و محتوا» و «فقه الحدیث» تبیین شده است. مهم‌ترین نتایج این تحقیق، ارائه روش‌های تحلیل حدیث توسط آیت الله صافی گلپایگانی است که می‌تواند در تحلیل همه روایات کاربرد داشته باشد. این روش‌ها عبارتند از: توجه به نسخه بدل در تبیین روایات و نیز نقد حدیث که روش‌های بررسی سند روایات و محتوای روایات را شامل می‌شود. از دیگر روش‌های ایشان در تحلیل حدیث در کتاب منتخب الاثر، روش‌هایی است که ایشان در فهم و مراد جدی حدیث به کار گرفته است.

واژگان کلیدی: منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، آرای حدیثی، اعتبار سنجی، فقه الحدیث.

۱. این مقاله به همایش بین‌المللی مهدویت و انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی ارائه و طبق تفاهم نامه بین دفتر فصلنامه انتظار موعود با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ شده است.
۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

Mojtabamiri1360@gmail.com

۳. دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی امام‌شناسی (بنیادین المللی امامت) قم (نویسنده مسئول)

Ali.j.f.110@gmail.com

مقدمه

کتاب «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ» کتابی روایی از آیت الله صافی گلپایگانی است. این کتاب، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ممتاز، یکی از آثار مرجع در حوزه مهدویت می‌باشد. در این کتاب، احادیث مربوط به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ از کتاب‌های شیعه و سنی در یازده باب و یکصد فصل جمع آوری شده‌اند. یکی از ویژگی‌های دیگر این کتاب، آن است که تقریباً به همه ابعاد مرتبط با مهدویت پرداخته شده است و هیچ موضوع مهمی در این زمینه نیست که به آن پرداخته نشده باشد. روایاتی که در این کتاب آمده‌اند، با سلسله کامل سند همراه هستند. آیت الله صافی در ذیل روایاتی که آورده، نکاتی در مورد سند و متن روایات نیز مطرح کرده است که بر دیدگاه حدیثی ایشان مبتنی می‌باشد. هدف اصلی مولف از نظر علمی، اثبات تواتر آیات و استقلال این احادیث از منظر سند است؛ یعنی اگر احادیث با تواتر اثبات شدند، ما را از ارجاع به اسناد در اثبات صحت آن بی‌نیاز می‌کند.^۱ لذا بررسی روش‌های ایشان در زمینه روایات مهدویت، می‌تواند در سایر احادیث کاربرد داشته باشد. از این رو می‌توان آرای حدیثی ایشان را در این کتاب به خوبی مشاهده کرد. بنابراین، تبیین روش‌های تحلیل حدیث در این کتاب دارای اهمیت می‌باشد.

در تحقیق پیش‌رو، روش‌های تحلیل حدیثی آیت الله صافی در سه محور کلی «تصحیح نسخه‌ها»، «اعتبار سنجی احادیث» و «فقه الحدیث»، مورد بررسی قرار می‌گیرند.



۱. و لیس فی المسائل الثقلیة الّتی لا طریق لإثباتها إلاّ السمع ما یکون الإیمان به أولى من الإیمان بظهور المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ لو لم نقل بكونه أولى من بعضها؛ لأنّ البشارات الواردة فيه قد تجاوزت عن مرتبة التواتر، مع أنّ الأحادیث المنقولة فی كثير مما اعتقده المسلمون و غیرهم لم تبلغ تلك المرتبة، بل ربّما لا توجد لبعض ذلك إلاّ رواية واحدة و مع ذلك یعدّ عندهم من الأمور المسلمة. فاذا کیف یصحّ للمسلم المؤمن بما جاء به الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و أخبر به أن یرتاب فی ظهوره عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ مع هذه الروایات الكثیرة؟! و لا تخدش هذه الأخبار بضعف السند فی بعضها و غرابة المضامین و استبعاد وقوعها فی بعض آخر منها، فإنّ ضعف السند فی بعضها لا یضّرّ بغيره مما هو فی غاية الصحة و المتانة سندا و متنا، و إلاّ یلزم رفع الید عن جمیع الأحادیث الصحیحة لكان بعض الأخبار الضعیفة مع أنّ اشتهار مفادها بین كافة المسلمین، و كون أكثر مخرجیها من أئمة الإسلام، و أكابر العلماء، و أساتذة فنّ الحدیث موجب للقطع بمضمونها، هذا، مضافا إلى أنّ ضعف السند إنّما یکون قادحا إذا لم یکن الخبر متواترا، و أمّا فی المتواتر منه فلیس ذلك شرطا فی اعتبارها (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۶).

«فقه الحدیث» دانشی است که به بررسی متن حدیث می‌پردازد. در این دانش برای نزدیک شدن فهم مخاطب به معنا و منظور اصلی گوینده سخن، از شیوه‌های منطقی فهم و نقد حدیث و همچنین قواعد گوناگون (ادبی، اصولی، کلامی و دیگر قوانین عقلی و عقلایی) استفاده می‌شود (مسعودی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۶). در واقع این علم با بررسی متن احادیث و آموزش سیر منطقی فهم آن، ما را یاری می‌دهد تا بتوانیم معنایی را که معصوم علیه السلام در نظر داشته است، درک کنیم و در نهایت به مقصودی که او در نظر داشته است، برسیم همچنین با دانستن این علم می‌توان بین احادیث متعارض، به گونه‌ای برخورد کرد که از تمامی آن‌ها معنایی واحد به دست آورد (همان، ۱۳۸۹: ص ۱۸ و ۱۹).

یکی از راه‌های سنجش احادیث، بررسی سندی آن‌ها است. لذا در کتاب منتخب الاثر نیز به این امر توجه ویژه‌ای شده و تلاش گردیده است، اسناد روایات یا تصحیح شوند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۲۱۴) و یا با ارائه تواتر (همان، ص ۲۷۶)، روایت را اعتبار بخشد. علمی که به بررسی اسناد روایات می‌پردازد «علم رجال» است. علم رجال، صورت مختصر، ترکیب سه جزئی «علم رجال الحدیث» است و معنای آن، شناسایی راویان حدیث است. واژه رجال به معنای جنسیت نیست و شامل راویان زن هم می‌شود (مامقانی، ۱۳۴۹: ج ۱، ص ۳۶). بنابراین، برای بررسی یک اثر حدیثی باید به جوانب مختلفی که در شناخت و اعتبار سنجی احادیث دخیل هستند، پرداخته شود. لذا در این تحقیق نیز تلاش شده است از ابعاد مختلفی که ذکر شد، این کتاب مورد تدقیق قرار گیرد.

در مورد کتاب منتخب الاثر، آثار گوناگون تولید شده‌اند. به جز ترجمه این کتاب توسط محسن احمدی، مهم‌ترین مقاله‌ای که در این زمینه تولید شده است، مقاله «پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی در کتاب شریف منتخب الاثر»، اثر احمد کریمی است (دانشی و کریمی، ۱۴۰۰: ص ۱۵۷ تا ۱۷۹). چنان که از نام این مقاله پیداست، مقاله مذکور، به پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی در کتاب منتخب الاثر پرداخته است؛ ولی روش‌های تحلیل روایات که در تحقیق حاضر به آن پرداخته شده، در این مقاله کم‌تر مورد بحث قرار گرفته است. البته برخی مقالات نیز در معرفی کلی این اثر گرانسنگ نوشته شده‌اند، مانند مقاله «منتخب الاثر، اثری ماندگار درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹:



ص ۴۲-۴۳): «معرفی اجمالی کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام» (دیدارپور، ۱۴۰۱: ص ۱۳۲-۱۳۴): «کتابشناسی تحلیلی منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام» (منصوری، ۱۴۰۱: ص ۱۷۶-۲۰۶). این مقالات نیز یا به صورت کلی به توصیف و تعریف این کتاب پرداخته، یا منابع آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در تحقیق پیش‌رو؛ چنان که از عنوانش پیداست، روش‌های بررسی و تحلیل روایات در کتاب منتخب الاثر ارائه می‌گردد.

با توجه به مسئله تحقیق، در این مقاله به روش‌های مؤلف منتخب الاثر، در تحلیل حدیث پرداخته خواهد شد. همچنین در تبیین آرای حدیثی توسط آیت الله صافی، برای هر مورد، به یک نمونه اشاره شده است؛ اگرچه موارد متعددی در این کتاب وجود دارند.

۱. توجه به نسخه بدل

یکی از اموری که در کتاب منتخب الاثر، پُرشمار به آن پرداخته شده، توجه به نسخه‌های مختلف روایات است؛ یعنی در هر مورد که نسخه بدل وجود دارد، نسخه بدل در پُرانتز آورده شده است تا خواننده بتواند به صورت وسیع‌تری در روایت تأمل کند. چنانچه، چه در سند و چه در متن حدیث تصحیفی باشد، در کتاب منتخب الاثر به آن اشاره و نکات اصلاحی نیز مطرح شده است. این رویکرد در سراسر این کتاب قابل مشاهده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۶۳).

همچنین در این کتاب اشتباهاتی که در سند یا متن روایت وجود دارند، با استناد و استدلال اصلاح شده‌اند. برای مثال واژه «تسبیحه»، به معنای «تسبیح او» را اشتباه می‌داند و واژه صحیح را «کسیجه» عنوان می‌کند، به معنای «طنابی که اهل ذمه روی لباسشان می‌بستند» (همان، ص ۵۶). اشکالاتی از این دست که در سند روایات وجود دارند نیز مورد توجه قرار گرفته و اصلاح شده‌اند. برای مثال، در سند روایت، «سعید بن ابراهیم» آمده است که مؤلف منتخب الاثر، «سعد بن ابراهیم زهری» را صحیح می‌داند؛ زیرا یکی از راویان حدیث به نام شعبه، از سعد بن ابراهیم، روایت کرده است، نه از سعید بن ابراهیم (همان، ص ۱۷۹).

یکی دیگر از اموری که در این کتاب به چشم می‌خورد، آن است که ضمن تصریح بر اشتباه نسخ، واژه صحیح ارائه می‌شود (همان، ص ۶۸). البته تشخیص برخی از اشتباهات نسخ،

دشوار است و لذا آیت الله صافی می‌فرماید که اشتباه نساخ باعث به اشتباه افتادن علما می‌شود (همان، ص ۲۰۷). همچنین در کتاب منتخب الاثر، با مقایسه نسخه‌های مختلف، نسخه‌ای که از صحت بالاتری برخوردار است، انتخاب شده است (همان، ج ۲، ص ۱۴۹).

از جمله اموری که در تصحیح نسخه‌ها، در این کتاب به چشم می‌خورد، آن است که نسخه‌هایی که تحقیق شده‌اند نیز بررسی اشکالات این نسخه‌ها بر طرف شده‌اند (همان، ص ۹۸). همچنین در برخی موارد، با مقایسه نسخه‌های مختلف، راهی برای جمع این نسخه‌ها ارائه شده است (برای مثال: همان، ج ۱، ص ۲۰۷). در زمینه تصحیح نسخه‌ها، دیدگاه آیت الله صافی این است که باید به نسخه‌ها اعتماد کنیم و اگر نسبت به متن یا سند احادیث با نکته‌ای مواجه شدیم و دیدگاه خاصی داشتیم، نباید نسخه اصلی را دستکاری کنیم، به گونه‌ای که تغییر آن قابل رویت نباشد، بلکه دیدگاه‌های خود را باید در حاشیه کتاب بیاوریم، به شکلی که اصل نسخه محفوظ بماند و دیدگاه محقق نیز مشخص باشد (همان، ج ۳، ص ۱۰۱).

۲. نقد الحدیث (تحلیل سندی و تحلیل محتوایی)

«اعتبار سنجی احادیث» یکی دیگر از اموری است که در کتاب منتخب الاثر مورد توجه قرار گرفته است. در این کتاب روایات مختلف، چه از نظر سند و چه از نظر محتوا بررسی و اعتبار سنجی شده‌اند. برای مثال، برای تبیین جعلی بودن برخی از روایات طبرانی در کتاب معجمش، سند و محتوا مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در ادامه به یک مورد اشاره می‌شود.

از مواردی که اهل تتبع در احادیث ائمه دوازده گانه با آن مواجه می‌شوند، روایتی است که طبرانی در معجم‌الکبیر آورده است:

... شنیدم که عبد الله بن عمرو می‌گوید: از پیامبر اسلام ﷺ چنین شنیدم: پس از من دوازده خلیفه خواهند بود: ابوبکر که پس از من مدت کوتاهی خواهد بود... می‌گویم: بدان که ما هیچ کسی را نیافتیم که بر این زیادتی که به کذب به روایت اضافه شده است، استناد کرده باشد... و برای توضیح کذب بودن این اضافه بر روایت از دو زاویه



کلام را پی می‌گیریم: از جنبه سند روایت و از جنبه متن روایت^۱... (همان، ج ۱، ص ۲۹۳).

۲-۱. اعتبار سنجی سندی احادیث

در این کتاب، به سند روایات به صورتی ویژه و از جنبه‌های مختلف پرداخته شده است. مهم‌ترین بحث در اعتبار سنجی سندی احادیث، بیان اسناد مختلف روایات و همچنین تصحیح سند روایات از راه‌های مختلف است. در این زمینه کتاب‌های حدیثی و رجالی مختلفی نوشته شده‌اند که هر کدام روش‌های مختلفی بیان کرده است.^۲ در کتاب منتخب الاثر، علاوه بر این که این شیوه‌ها به صورت عملی به کار گرفته شده‌اند، تلاش شده است شیوه‌های اعتبار سنجی، به صورتی جامع و حداکثری مورد استفاده قرار گیرند.

۲-۱-۱. رفع ضعف از رجال سند

مؤلف کتاب منتخب الاثر، با بررسی سند روایات، در مواردی که برخی از رجال ثقه و جلیل القدر به ضعف متصف شده‌اند؛ با بیان شرح حال و جایگاه آن‌ها، ضعف را منتفی می‌داند. برای مثال، هشام بن محمد از طرف بعضی از عامه تضعیف شده است؛ آیت الله صافی با بیان علمیت و جایگاه ویژه ایشان نزد امام صادق علیه السلام، ضعیف بودن ایشان را مردود می‌داند و علت تضعیف او را محبت اهل بیت علیهم السلام و شیعه بودنش می‌داند (همان، ص ۱۵۳).

۲-۱-۲. ریشه تضعیف و تحریف در روایات و روش تصحیح آن

در این کتاب، با بررسی سند روایات، در مواردی که در اسناد مختلف، تفاوتی وجود دارد، یا در



۱. «مما یقف علیه المتتبع فی احادیث الاثني عشر ما أخرجه الطبرانی فی معجمه الکبیر... سمعت عبد الله بن عمرو یقول: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: یكون بعدی اثنا عشر خلیفة أبو بکر الصّدیق، لا یلبث بعدی إلا قليلا... أقول: اعلم أننا لم نقف علی أحد احتج بهذه الزیادة المکذوبة... ولأجل ایضاح زیادة هذه الزیادة علی الخبر نجري الکلام فیها فی موضعین: فی سند الخبر، و فی متنه...»

۲. احسانی فر، محمد، کتاب «اسباب اختلاف الحدیث»؛ استادان دانشکده علوم حدیث، کتاب «آشنایی با علوم حدیث»؛ حسنی، حسین، کتاب «غریب الحدیث فی بحار الانوار»؛ رحمان ستایش، محمدکاظم، کتاب «بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه»؛ سند، محمد، کتاب «بحوث فی معانی علم الرجال»؛ صرامی، سیف‌الله، کتاب «مبانی حجیت آرای رجالی»؛ طباطبایی، محمد کاظم، کتاب «تاریخ حدیث شیعه»؛ مسجدی، حیدر، کتاب «التصحیح فی متن الحدیث» و مهریزی، مهدی، کتاب «حدیث پژوهی».

سند تصحیفی صورت گرفته؛ سند صحیح ارائه شده است. یک مورد از ارائه سند صحیح که در این کتاب آمده است، عنوان می‌شود:

در جلد اول این کتاب، صفحه ۲۴۰، سند روایتی را که چنین است: «عن علی بن سنان، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن صالح، عن سلمان بن أحمد، عن زیاد بن مسلم و عبد الرحمن بن یزید بن جابر، عن سلام بن ابی عمیره...»؛ به صورت دقیق‌تر بیان کرده است؛ یعنی مثلاً برای روات، صفاتی را آورده است که مشخص شوند؛ به عنوان نمونه، برای «علی بن سنان»، صفت «الموصلی المعدل» را آورده و همچنین در پایان سند، «سلام بن ابی عمیره» را حذف کرده و به جای او «ابی سلام الاسود» را به همراه دلیل این تغییر ذکر کرده است:

أقول: الظاهر أنّ السند هكذا: علي بن سنان الموصلی المعدل عن أحمد بن محمد الخليلی عن محمد بن صالح الهمدانی عن سليمان بن أحمد عن زیاد بن مسلم أو ریان ابن مسلم عن عبد الرحمن بن یزید بن جابر عن أبي سلام الأسود عن أبي سلمی. أما سلام بن أبي عمیره الخراسانی فهو یروي عن الإمام أبي جعفر و أبي عبد الله عليه السلام و یبعد روايته عن أبي سلمی، و الله هو العالم.

می‌گوییم: در ظاهر سند روایت این گونه باشد:

علی بن سنان الموصلی المعدل، از أحمد بن محمد الخليلی، از محمد بن صالح الهمدانی، از سليمان بن أحمد، از زیاد بن مسلم أو ریان ابن مسلم، از عبد الرحمن بن یزید، از جابر، از ابی سلام الأسود، از ابی سلمی روایت کرده‌اند؛ اما سلام بن ابی عمیره خراسانی کسی است که از امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام روایت می‌کند و بعید است که از ابی سلمی روایت کند و خدا داناست (همان، ص ۲۴۰).

در مواردی نیز به تصحیفی که در سند روایت اتفاق افتاده اشاره شده است و تصحیف و رفع می‌گردد (همان، ج ۲، ص ۴۷). همچنین سهو نساخ در نوشتن سند احادیث، تبیین و لفظ صحیح بیان می‌شود (همان، ج ۱، ص ۱۷۲).

۲-۱-۳. رفع ضعف سند با تکیه بر اسناد دیگر

در برخی روایات که از لحاظ سند دچار اشکال هستند، مؤلف منتخب الاثر از طریق یافتن سندهای صحیح برای همان روایات، اعتبار روایات را تثبیت می‌کند (همان، ص ۲۱۴). برای



مثال:

أقول: الظاهر أنّ للحديث بقيّة، و لعلّها كانت نحو قوله ﷺ: «رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي» أو مثله، و إنّما لم يذكرها لأنّه ذكر الحديث بعد حديث عاصم عن زرّ، عن عبد الله، فكأنّه ظنهما حديثا واحدا، و أنّ قوله ﷺ: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتّى يلي» (صدوق، ۱۴۰۴: ص ۱۱). كان في صدر الحديث الأوّل أو ذيله و لا يخفى ما فيه؛ لتعدّدهما، فأحدهما ينتهي سنده إلى ابن مسعود، و الآخر إلى أبي هريرة؛ «مردی از اهل بیت من می آید که همنام من است»؛ یا مانند این عبارت؛ و این تتمه را نیاورده است؛ چون این روایت را پس از حدیث عاصم بن زرّ از عبدالله آورده و گویا گمان کرده است که هر دو روایت، یک روایت است و این که این کلام پیامبر ﷺ: «اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا او بیاید»؛ در ابتدای روایت اول یا انتهای آن بوده است و مخفی نماند اشکالی که به آن وارد است؛ زیرا آن ها دو روایت هستند که سند یکی به ابن مسعود و سند دیگری به ابو هریره منتهی می شود» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۵۵).

۲-۱-۴. تأیید سند با ارجاع به نسخه اصلی

در مواردی که در یک نسخه، سند روایات به دلایلی به صورت ناقص آمده‌اند، با مراجعه نسخه‌های کامل، سند روایت اصلاح و از ضعف خارج شده است؛ مانند این روایت:

«شواهد التنزیل: فرات، قال: حدّثني الحسين بن عليّ ابن زريع، و إسماعيل بن أبان، عن فضيل بن الزبير، عن زيد بن عليّ، قال: إذا قام القائم من آل محمد ﷺ يقول: ...» (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۴۰۱ و فرات کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۰۰). آیت الله صافی در ذیل این روایت می فرماید:

إلا أنّ فيه: قال الحسين بن عليّ بن زريع؛ یعنی در تفسیر فرات به جای حسین بن علی بن زريع، حسین بن علی بن زريع آمده است. أقول: النسخة المطبوعة التي بأيدينا أصلها النسخة التي عمد ناسخها بإسقاط أسانيدھا رعاية للاختصار، فتراه يقول في هذا الحديث: حدّثني الحسين بن عليّ بن زريع معنعا عن زيد بن عليّ عليه السلام، و يظهر من شواهد التنزیل أنّ النسخة الكاملة كانت موجودة عند الحاكم فروی ما روی عن تفسیر فرات بإسناده؛ می گویم: نسخه چاپ شده‌ای که در دست ماست، اصل آن نسخه‌ای است که ناسخ آن برای رعایت اختصار، سندهای روایات را حذف کرده است. پس می بینید که در این



حدیث می‌گوید: حدیث کرد مرا حسین بن بزیع معنعا از زید بن علی علیه السلام و از شواهد التنزیل روشن می‌شود که نسخه کاملی که نزد حاکم موجود بوده آنچه روایت کرده، از تفسیر فرات با اسنادش روایت کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۴۶).

همچنین مقایسه یک روایت در یک کتاب و کتابی که از آن نقل کرده است، از دیگر روش‌های تأیید سند در کتاب منتخب الاثر است. برای مثال در مورد روایت زیر چنین آمده است:

«کشف الیقین: عن مسند أحمد بن حنبل، قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم للحسين عليه السلام: هذا ابني إمام أخو إمام أبو أئمة تسعة تاسعهم قائمهم (علامه حلی، ۱۴۱۱: ص ۳۳۱). أقول: الظاهر إخراج الحديث في كشف الیقین عن المسند لأنه روی قبله حديثاً آخر عنه و قال: و من مسند أحمد بن حنبل ثم ذكر بعده هذا الحديث و لفظه: و قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: ... إلا أنا لم نجد في المسند فعله كان فيه و وقع فيه السقط أو التصرف أو كان نقله عن العلامة من إرسال المسلمات. و على كل حال يكفي ذلك في اعتباره و الاعتماد به و أخرجه الديلمي في إرشاد القلوب (ج ۲، ص ۳۳) و قال: هذا ابني إمام ابن إمام ... و أخرجه الديلمي في إرشاد القلوب (ج ۲، ص ۳۳) و قال: هذا داده اند به این نتیجه رسیده‌اند که اگر چه این روایت در مسند حنبل وجود ندارد همین که در کشف الیقین آمده قابل اعتماد است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۶۶).

۲-۱-۵. آوردن یک روایت با طرق و اسناد مختلف

آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر، برخی از روایات را از طرق مختلف نقل کرده است. برای مثال از کتاب معجم کبیر برای روایت پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم که فرمودند: «دوازده قیم از قریش است»؛ پانزده طریق آورده که در این جا به عنوان نمونه پنج طریق بیان می‌شوند:

یکم. المعجم الكبير: حدثنا عبدان بن أحمد، ثنا زيد بن الحريش، حدثنا روح بن عطاء بن أبي ميمونة، عن عطاء بن أبي ميمونة، عن جابر بن سمرة قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عليه [و آله] و سلم و هو يخطب على المنبر يقول: اثنا عشر قيمًا من قریش لا يضترهم عداوة من عاداهم؛

دوم. المعجم الكبير: حدثنا إبراهيم بن هاشم البغوي، ثنا محمد بن عبد الرحمن العلاف، ثنا محمد بن سواء، ثنا سعيد، عن قتادة، عن الشعبي، عن جابر بن سمرة...؛

سوم. المعجم الكبير: حدثنا علي بن عبد العزيز و أبو مسلم الكشي، ثنا حجاج بن المنهال، و حدثنا الحسين بن إسحاق التستري، حدثنا أبو الربيع الزهراني قال: ثنا حماد بن زيد، ثنا مجالد،



عن الشعبي، عن جابر...؛
 چهارم. المعجم الكبير: حدثنا عبيد بن غنام، ثنا أبو بكر بن أبي شيبة، ثنا أبو اسامة، عن
 مجالد، عن الشعبي، عن جابر...؛
 پنجم. المعجم الكبير: حدثنا يوسف القاضي، ثنا أبو الربيع الزهراني، ثنا جرير، عن المغيرة، عن
 الشعبي، عن جابر... (همان، ص ۳۲ - ۳۷).

۲-۲. اعتبار سنجی محتوایی احادیث

در کتاب منتخب الاثر، محتوای روایات نیز مورد توجه قرار گرفته و ارزیابی شده‌اند. از جمله
 محورهای اصلی که در اعتبارسنجی محتوایی در این کتاب به چشم می‌خورد، توجه به بحث
 تواتر، روایات مشابه، زمان صدور احادیث، غرابت محتوا و بخش‌های مختلف روایت است که در
 ادامه به صورت مختصر تبیین می‌شوند:

۲-۲-۱. توجه به تواتر در اعتبار محتوای احادیث

«تواتر» یکی از راه‌های اعتباربخشی به احادیث است. در کتاب منتخب الاثر به این شیوه
 اعتبار بخشی نیز توجه شده و در مواردی که تواتر وجود دارد به آن اشاره و از همین طریق
 محتوای حدیث معتبر دانسته شده است (همان، ج ۲، ص ۴۰۶). البته روایاتی را که از نظر
 محتوایی، موضوع و مجعول بوده‌اند، در این کتاب نیامده‌اند؛ ولی مواردی را که دارای تواتر
 اجمالی یا معنوی بوده، از منظر آیت الله صافی قابل انکار نیستند. ایشان در این زمینه
 می‌فرماید: ما بسیاری از این احادیث را به دلیل اشکالی که از نظر وضع در متن روایت داشتند و یا
 سندشان دچار ضعف بودند، در این کتاب نیاوردیم؛ ولی نمی‌توان تواتر اجمالی یا تواتر معنوی
 این احادیث را انکار کرد (همان، ج ۳، ص ۴۹).

۲-۲-۲. توجه به روایات مشابه برای کشف تصحیف در متن احادیث

برخی از الفاظ روایاتی که به دست ما رسیده‌اند، به دلیل اشتباه در استنساخ، دچار تغییر و
 تصحیف شده‌اند. یکی از طرق شناسایی و رفع تصحیف در روایات، یافتن روایات مشابه و
 مقایسه آن‌ها با یکدیگر است. در کتاب منتخب الاثر نیز محتوای برخی از روایات، از طریق
 مقایسه روایات مشابه تصحیح شده‌اند. برای مثال، آیت‌الله صافی گلپایگانی سند روایتی را بر

مبنای نسخه‌ای از کتاب «اثبات الهداة» با کتاب «کمال الدین»، با کتاب «غیبت نعمانی» و با کتاب «سلیم بن قیس» مقایسه و در نهایت سند اصح را اختیار می‌کند (همان، ج ۱، ص ۲۴۰).

۲-۳. توجه به زمان صدور حدیث در اعتبار محتوا

یکی از اشکالاتی که به برخی از روایات وارد شده، عدم تناسب زمان صدور حدیث با محتوا و ناقل حدیث است. این، اشکالی است که به تأمل فراوان نیاز دارد؛ زیرا در صورت صحیح بودن این اشکال، حدیث نیز دچار ضعف و از اعتبار ساقط می‌شود. در کتاب منتخب الاثر نیز این امر مورد توجه قرار گرفته است؛ یعنی با بررسی دقیق احادیثی که این اشکال در آن‌ها وجود داشته، به مواردی که قابل جواب بوده است، پاسخ داده شده و اشکال آن‌ها بر طرف شده است.

برای مثال، در مورد روایت جابر بن عبد الله انصاری از امام صادق علیه السلام، با توجه به این که جابر پیش از امام صادق علیه السلام از دنیا رفته، این اشکال وارد شده است که چگونه جابر از امام صادق علیه السلام روایت کرده باشد؟ پاسخ این است که امام صادق علیه السلام از اتفاقات بین پدر بزرگوارشان و جابر به نقل از پدرشان خبر می‌دهند، نه این که مطلبی از جابر شنیده باشند و آن را خبر بدهند (همان، ص ۲۲۸).

در واقع، ظاهر برخی از روایات آن است که امام صادق علیه السلام به صورت مستقیم و بی واسطه از جابر بن عبد الله انصاری مطلبی را نقل کنند؛ در حالی که این امر ممکن نیست؛ زیرا جابر بن عبد الله انصاری پیش از این که امام صادق علیه السلام به دنیا بیایند، از دنیا رفته است. آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر، این موارد را اصلاح و در واقع شبهه را برطرف کرده است. برای مثال، در همین موارد، آیت الله صافی چنین توضیحی آورده است که در واقع امام صادق از جابر نقل قول مستقیم نکرده است؛ بلکه نقل قول از پدرشان امام باقر است. با این توضیحات، اشکال برطرف می‌شود و روایت معتبر خواهد بود.

۲-۴. معتبر ندانستن غرابت محتوا در ردّ حدیث

برخی از روایات به دلیل داشتن محتوای مشتمل بر امور غریبه که عقل انسان در ابتدای امر نمی‌تواند به سادگی آن را تحلیل کند؛ در معرض عدم اعتبار و رد قرار گرفته‌اند؛ زیرا این گونه روایات در ظاهر و بر اساس عادت ممتنع هستند. برای مثال:



الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْمُثَنَّى الْحَنَاطِيِّ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ مَوْلَى لَبْنِي شَيْبَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّحَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ» (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۵).

در این روایت، یکی از امور غریبه در زمان ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بیان شده و آن، این است که با اشاره دست حضرت و یا قرار گرفتن دست ایشان بر سر مردم، عقل و فهم آن‌ها ارتقا می‌یابد و تکمیل می‌شود. آیت الله صافی گلپایگانی غرابت محتوایی احادیث را در امور علمی، مخصوصا اموری که بر اساس نقل هستند، برای رد احادیث معتبر نمی‌داند؛ زیرا در صورت معتبر دانستن این ملاک، بسیاری از روایات و عقاید حق و ثابت شده از طریق نقل، همچون کیفیت معاد و صراط و میزان را باید کنار بگذاریم. البته مشرکان نیز اخباری را که در قرآن آمده‌اند، بعید می‌دانستند. برای مثال آیات ابتدایی سوره تکویر: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ (تکویر: ۲۰)؛ که پیچیده شدن خورشید و کدر شدن ستارگان امری بعید است و به همین دلیل با آن مخالفت می‌کردند و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را مجنون می‌نامیدند (دخان: ۱۴).

همان گونه که مشرکان برای نفی آیات الهی، به استبعاد محتوایی استناد می‌کردند، در مورد محتوای برخی از روایات، مخصوصا روایاتی که در زمینه مهدویت وارد شده‌اند، همین استبعاد مطرح شده است؛ ولی آیت الله صافی به دلیل تواتر و کثرت روایاتی که مشتمل بر امور غریبه هستند و نیز وثاقت راویان و عدم اعتبار استبعاد در اموری که تنها از طریق نقل می‌توان به آن‌ها دست یافت، این گونه روایات را معتبر می‌داند:

و أما استبعاد وقوع ما ذكر فيها من الامور الغريبة فجوابه: أنه ليس للاستبعاد والاستغراب قيمة في المسائل العلمية سيما النقليّة منها، و لو فتح هذا الباب لزم ردّ كثير من العقائد الحقّة الثابتة بأخبار الأنبياء مما ليس للعلم به أو بخصوصيّاته طريق إلا من الشرع، مثل: بعض كفيّات المعاد و الصراط و الميزان و الجنّة و النار و غيرها، و قد استبعد المشركون بشارات النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بظهور دينه و غلبة كلمته في أول البعثة حيث كان الإسلام منحصرًا بالنبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و عليّ و خديجة عَلَيْهَا السَّلَامُ، بل يعد ذلك عندهم من المحالات العاديّة، و لذا قالوا: «يا أيها الذي نزل عليه الذكر إنك لمجنون»؛ لإخباره عن امور كانت عندهم من الممتنعات بحسب العادة و الأسباب الظاهرة، و لكن لم تمض إلا أيام معدودة حتى جعل الله كلمته هي العليا، و كلمة الذين كفروا السفلى (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۷).



۲-۲-۵. تفکیک و اعتبارسنجی صدر و ذیل روایات

از منظر مؤلف کتاب منتخب الاثر، روایت به صورت مطلق معتبر یا مردود نیست؛ زیرا ممکن است در محتوای روایت دخل و تصرفی صورت گرفته باشد. از این رو، بخش‌های مختلف روایات مورد ارزیابی قرار گرفته و صحیح و مجعول مشخص می‌شوند؛ یعنی ممکن است صدر روایت صحیح باشد؛ ولی به انتهای آن روایت، جمله یا جملاتی به صورت عمدی یا سهوی اضافه شده باشد؛ که در این کتاب تلاش شده این موارد مشخص شود.

برای مثال در مورد روایتی که از کتاب «اسد الغابه» و «استیعاب» نقل کرده، چنین آورده است که صدر این حدیث غرابت دارد و شاذ است. لذا به صدر این روایت نمی‌توان اعتماد کرد؛ ولی ذیل روایت، یعنی «يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَوْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا»؛ قابل اعتماد است و شواهد بسیار و متواتری بر این بخش از روایت وجود دارند (همان، ص ۸۲).

۳. فقه الحدیث (فهم مراد و مفهوم حدیث)

پرداختن به «فقه الحدیث» یکی از محورهای مهم در دیدگاه حدیثی آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر است. در این محور نیز مباحث مختلفی مورد نظر قرار گرفته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ارائه مفهوم دقیق از روایات مجمل، توجه به مفهوم شناسی لغات، تطبیق محتوای روایات بر عقاید صحیح، تعیین تکلیف روایات مشتمل بر امور خارق العاده، رفع ابهام روایات با روایات واضح و پرداختن به تعارض روایات.

۳-۱. ارائه مفهوم دقیق از روایات مجمل

با توجه به شرایط گوناگون و فراز و نشیبی که در نقل حدیث وجود داشته است، فهم دقیق برخی از روایات به دقت و تبصر در حدیث نیاز دارد. آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر به این امر توجه کرده و در مواردی که مفهوم روایات در ظاهر ابهام داشته، تلاش کرده است مفهوم دقیقی از روایت را ارائه کند. برای مثال در روایتی که نام اهل بیت علیهم‌السلام با شماره آمده است، ایشان برای هر شماره یک وجه قابل قبول مطرح کرده است (همان، ج ۱، ص ۱۸۶).



همچنین از دیدگاه ایشان، اختلافاتی که در واژگان احادیث وجود دارند، موجب ضعف اصل روایات نمی‌شوند؛ زیرا اولاً، می‌دانیم که چه بسا راویان، نقل به مضمون می‌کردند و ثانیاً، اهل فن، با تشخیص این موارد می‌توانند قدر مشترکی را که الفاظ حدیث بر آن دلالت دارند، به دست آورند؛ یا این که به راویان احفظ و اضبط باید رجوع کرد و یا بر اساس مرجحات عقلایی که در کتاب‌های درایه الحدیث ذکر شده‌اند، به اصل مطلب دست یافت. لذا نباید با مواجهه با اختلافات فرعی، اصل روایت را کنار گذاشت (همان، ج ۲، ص ۴۰۳).

۲-۳. توجه به مفهوم‌شناسی لغات

با توجه به این که در زبان عربی، هر واژه‌ای معنای خاصی دارد و برای فهم دقیق معنای کلام عرب فصیح باید مفهوم هر واژه‌ای را به صورت دقیق دانست؛ در مواردی که به مفهوم‌شناسی دقیق نیاز بوده؛ آیت‌الله صافی این کار را انجام داده است. برای مثال، ایشان الفاظ خلیفه، امیر، امام و ولی را به دلیل وجود نکات مهم، مفهوم‌شناسی کرده و به نتایج مهمی رسیده است که در تبیین حقیقت نسبت به وقایع صدر اسلام بسیار راهگشا است. برای مثال با مفهوم‌شناسی واژگان مذکور، به این نتیجه رسیده است که خلافت منصبی الهی و نیابت از خداوند است و تنها با وضع الهی محقق می‌شود و هیچ کسی در آن نمی‌تواند دخالت داشته باشد (همان، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۷۲).

۳-۳. تطبیق محتوای روایات بر عقاید صحیح

برخی از روایاتی که در شأن خاندان نبوت علیهم‌السلام وارد شده‌اند، ممکن است موجب برخی تفاسیر نادرست شود. برای مثال روایاتی که بر تکلم ملائکه با اهل بیت علیهم‌السلام دلالت دارند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۱)، می‌توانند این شبهه را ایجاد کنند که آیا مگر اهل بیت علیهم‌السلام مانند پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای مقام نبوت هستند که بر ایشان وحی نازل می‌شود؟ آیت‌الله صافی به تبیین محتوای این گونه روایات نیز پرداخته است. ایشان بین عقیده به نزول ملائکه بر افراد مختلف و قائل شدن به این که هر کس بر وی ملائکه نازل شوند، او نیز پیامبر است؛ تفاوت قائل شده و مورد اول را مدلول روایات می‌داند، نه مورد دوم را؛ زیرا نزول ملائکه بر غیر نبی در قرآن، در آیات مختلفی به چشم می‌خورد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۰۴).



۳-۴. تعیین تکلیف روایات مشتمل بر امور خارق العاده

یکی دیگر از کارهایی که در کتاب منتخب الاثر انجام شده، پرداختن به روایاتی است که از جنبه محتوایی بر امور خارق العاده و دور از ذهن در امور طبیعی مشتمل است. برای مثال روایاتی را که بر همزیستی مسالمت آمیز گرگ و گوسفند در یک مکان دلالت دارند، مورد توجه قرار داده و پس از بررسی سندی، احتمالات مختلف را بیان می‌کند. در نهایت نسبت به این گونه روایات راه میانه را پیشنهاد می‌دهد و آن عدم وجوب التزام و اعتقاد به این گونه روایات همراه با عدم جواز رد آن‌ها است (همان، ج ۳، ص ۱۴۴).

۳-۵. رفع ابهام روایات با روایات واضح

برخی از روایات، در ظاهر دارای ابهاماتی هستند که همین امر زمینه‌ای برای طعنه زدن برخی از مخالفان شیعه به این گونه روایات شده است؛ به ویژه روایات مرتبط با مهدویت که مشتمل هستند بر امور مخفی و لذا محل اختلاف و ردّ بعضی از مخالفان قرار گرفته‌اند. آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر به این اشکالات توجه و ابهاماتی را که مخالفان مطرح کرده‌اند، با ارجاع به روایاتی که مطلب را به صورت صریح می‌رسانند، رفع ابهام کرده و پاسخ قاطعی به مخالفان می‌دهد.

برای مثال در روایتی از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مبنی بر این که «در آخر الزمان خلیفه‌ای خواهد بود که مال را تقسیم می‌کند، بدون این که آن را بشمارد» (مسلم، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۶۲۴)، گفته شده است که در این روایت نامی از «مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ» نیامده است و دلیلی وجود ندارد که منظور از این خلیفه، ایشان باشد. آیت الله صافی با اشاره به روایات دیگر که صفات آخرین جانشین پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیان کرده‌اند، این احتمال را که خلیفه مذکور به جز «مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ» باشد، رد می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۷۴).

۳-۶. پرداختن به تعارض روایات

یکی از اموری که در تمامی کتاب‌های روایی باید مورد توجه قرار گیرد، پرداختن به بحث تعارض ظاهری روایات است؛ زیرا بر اثر امور مختلف در ظاهر تعارضاتی بین روایات مشاهده می‌شوند که نیاز است این تعارضات پاسخ داده شوند. در کتاب منتخب الاثر نیز به این امر



پرداخته شده است. مولف منتخب الاثر، روایات متعارض را آورده است و دلیل آن را این گونه بیان می‌کند: ۱. استناد به محتواهایی که مورد اتفاق آن‌ها است؛ ۲. وجود قرائنی که موجب قطع به صدور برخی از آن‌ها می‌شود؛ ۳. قرار گرفتن در فرایند تکمیل تواتر معنوی یا اجمالی (همان، ج ۳، ص ۲۶۳).

ایشان دلیل تعارض در روایات را چند چیز می‌داند که عبارتند از:

۱. عدم دقت و ضبط دقیق روایات هنگام شنیدن و نگاشتن؛
۲. نقل به مضمون روایات؛
۳. منع نقل حدیث در صدر اسلام و نقل حدیث از حفظ، نه از روی نوشته؛
۴. عدم نقل برخی از قراین حالییه و مقامیه که در فهم مخاطب از مراد متکلم دخیل هستند؛
۵. تقطیع حدیث و نقل بخشی از حدیث؛
۶. وجود سوء نیت و اغراض فاسد در وضع حدیث یا ایجاد زیادت و نقصان در متن حدیث؛
۷. عدم توجه و تبیین صدور روایت مانند مزاح، حذر، ضرر، وقوع فتنه و تقیه (همان، ص ۲۶۴ - ۲۶۷).

آیت الله صافی شیوه مواجهه با اخبار متعارض را نیز بیان کرده و آن، عمل به قواعد باب تعادل و ترجیح است، مانند مرجحات سندی، جهتی و دلالی. نکته‌ای که به آن تصریح شده، محدوده عمل به اخبار متعارض است. ایشان می‌فرماید عمل به مرجحات و اخذ یکی از دو طرف تعارض در محدوده فروع دین است؛ ولی اصول دین، یعنی اعتقادات خارج از این بحث می‌باشد (همان، ص ۲۶۷).

در کتاب منتخب الاثر، در عمل نیز به رفع تعارض روایات پرداخته است که برخی از شیوه‌های رفع تعارض که در این کتاب مطرح شده‌اند، عبارتند از:

الف) رفع تعارض گاهی از طریق تبیین و توضیح معنای الفاظ (همان، ج ۲، ص ۱۳۲) و گاهی از طریق تبیین مفهوم روایت انجام می‌شود (همان، ص ۲۱۳ و ص ۳۱۶). برای مثال در برخی از روایات عامه آمده است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، دجال را می‌گُشد؛ اما در روایات شیعه آمده است که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام او را به قتل می‌رساند. ایشان در جمع بین این دو دسته روایات می‌فرماید: برای جمع بین این روایات می‌توانیم واژه «یقتل» را به صورت مجهول بخوانیم که در

این صورت بدان معنا می‌شود که حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در کشتن دجال یاری می‌دهد یا این که به امر حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، دجال را می‌کشد (همان، ص ۳۵۶). یکی دیگر از راه‌های رفع تعارض روایات، مقایسه نسخه‌های مختلف و ترجیح نسخه‌ای است که به واقع نزدیک‌تر و مورد تأیید محدثان مانند شیخ عباس قمی و شیخ صدوق می‌باشد (همان، ص ۲۲۴). همچنین از طریق قواعد علم منطق و ادبیات عرب نیز تعارضات ظاهری برخی از روایات مرتفع می‌گردد (همان، ج ۱، ص ۶۴ و ج ۳، ص ۷۱).



نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، این نتیجه ملاحظه می‌شود که کتاب منتخب الاثر، کتاب روایی صرف نیست، بلکه در آن، مسائل گوناگون مرتبط با احادیث، به صورت اجتهادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین آیت‌الله صافی در این کتاب در تبیین حقایق مرتبط با مهدویت از طریق تحلیل، نقد و تصحیح نسخه‌ها، اسناد و محتوای احادیث تلاش وافر داشته است. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، جامعیت این کتاب از جنبه تعداد و نوع روایات و نیز بررسی و نقد همه جانبه احادیث و نوآوری در ارائه مباحث می‌باشد.

در واقع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که روش تحلیل حدیث در کتاب منتخب الاثر، در سه محور کلی انجام شده است: ۱. توجه به نسخه بدل در تحلیل حدیث که این امر باعث فهم صحیح‌تر و دقیق‌تری از روایات می‌شود؛ ۲. توجه به تحلیل سندی و محتوایی روایات؛ زیرا در تحلیل اعتبار سنجی روایات، اعتبار سنجی سندی احادیث به تنهایی کفایت نمی‌کند و لذا علاوه بر، اعتبار سنجی سندی، اعتبار سنجی محتوایی نیز باید انجام شود که در این کتاب به هر دو مورد پرداخته شده است؛ ۳. توجه به مفهوم و مراد احادیث؛ در این زمینه، برداشت‌های نادرست از روایات کنار گذاشته می‌شود.



منابع

قرآن کریم

۱. احسانی فر لنگرودی، محمد (۱۴۳۲ق). *اسباب اختلاف الحدیث*، بیروت، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲. استادان دانشکده علوم حدیث (۱۳۹۰). *آشنایی با حدیث*، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۳. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، محقق: محمدباقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴. دانشی، فاطمه و کریمی، احمد (تابستان ۱۴۰۰) «پیش فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی در کتاب شریف منتخب الاثر»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۵۰.
۵. دیدارپور، محسن (اسفند ۱۴۰۰ و فروردین ۱۴۰۱). «معرفی اجمالی کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجله الله تعالی فرجه الشریف»، مجله مبلغان، ش ۲۷۴.
۶. دیلمی، حسن بن محمد (ق ۱۴۱۲). *ارشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)*، قم، الشریف الرضی.
۷. رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۳۸۴). *بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه*، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۸. سند، محمد (۱۴۲۹). *بحوث فی مبانی علم الرجال*، قم، مدین.
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق). *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجله الله تعالی فرجه الشریف*، قم، مکتبه آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی.
۱۰. _____ (آبان ۱۳۷۹). «منتخب الاثر، اثری ماندگار درباره حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف»، مجله گلستان قرآن، ش ۳۳.
۱۱. صدوق، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، محقق: مدرسه امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه الإمام المهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف.
۱۲. صرامی، سیف الله (۱۳۹۱). *مبانی حجیت آرای رجالی*، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۳. طباطبایی، محمد کاظم (۱۳۹۰). *تاریخ حدیث شیعه*، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق). *كشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنین عجله الله تعالی فرجه الشریف*، محقق: حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد.
۱۵. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، محقق: محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.



۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامية)*، محققان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۱۷. مامقانی، عبدالله (بی تا). *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف، چاپ سنگی، بی نا.
۱۸. مسجدی، حیدر (۱۴۳۲ق). *التصحیف فی متن الحدیث*، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۹. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۱). *دانش حدیث (پژوهه‌های کاربردی در شناخت دانش‌های حدیثی)*، قم، نشر جمال.
۲۰. _____ (۱۳۸۹). *درستنامه فهم حدیث*، قم، انتشارات زائر.
۲۱. مسلم بن حجاج، ابوالحسین (۱۳۹۳). *ترجمه فارسی صحیح مسلم*، مترجم: خالد ایوبی نیا، ارومیه، موسسه انتشاراتی حسین اصل.
۲۲. منصور، محمد هادی (بهارو تابستان ۱۴۰۱). «*کتابشناسی تحلیلی منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام*»، جامعه مهدوی، ش ۵.
۲۳. مهریزی، مهدی (۱۳۹۰). *حدیث پژوهی*، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.